

## قانون مجازات عهومی

برخی را عقیده بر آنستکه برای حساب مدت مرور زمان مناط اعتبار مجازات مصرحه در حکم خواهد بود چه منظور قانونگذار از رعایت کیفیات خاص در باره بعضی اشخاص همانا تأمین اصل تساوی افراد در برابر قانون و شخصیت دادن بقانون از نظر شخص فاعل و مرتکب است .

از طرف دیگر کرده شخص از نظر جزائی ، منحصر آ دارای آناری است که در حکم مجازات قید شده و در حقیقت حکم مزبور بمنزله معرفتی است از درجه تقصیر و ماهیت جزائی و نیت واقعی مجرم بنابراین باید نتایج و آثار کرده و عواقبی که در باره اش از عمل ارتكابی وجود می آید متناسب با مجازات او بوده و به عبارتی آخری فرع زیاد بر اصل نباشد یا برعکس اگر مجازاتش تشدیدتر از مجازات عمل ارتكابی است چون تقصیر او زیادتر تشخیص شده باید آثار و نتایج آنهم بهمان نسبت تشدید شود - اینست که بنظر این دسته مدت لازم برای مرور زمان را باید از میزان مجازات مندرجه در حکم پیش بینی و تعیین نمود نه از نوع جرم ارتكابی .

بعضی دیگر برخلاف این نظر و گویند مشخص مرور زمان حکم دادگاه و میزان محکومیت نیست بلکه نوع عمل ارتكابی بگانه عامل مؤثر است - از طرفی پذیرفتن اصل فوق خود مخالف اصول قضائی و بلکه موجب ظلم با افراد دیگر و برهم زدن همان اصل مساوات در برابر قانون است زیرا در صورتیکه منشاء مرور زمان

را از نوع و میزان محکومیت تشخیص کنیم مثل آنست که بخواهیم ماهیت کرده مجرم را تغییر دهیم و در عین حال بین مجرمینی که اسلا تعقیب نشده (و مرور زمان عملشان از روی نفس حرم - حساب میشود) با آن دسته که بقوه قضائیه تسلیم و مورد محاکمه واقع منتها در محکومیتشان تغییراتی حاصل شده و بعداً بهائی حکم بمرحله اجرا نرسیده فرق گذارده باشیم علاوه مجازات که بکنوع تکافات اجتماعی و برای کبهر دادن عمل مجرم است هیچگاه بانفس عمل که تا حدی معرفت قریحه جزائی و درجه پستی فکر و فساد اخلاقی او است نباید اشتباه شود . همچنین نباید از نظر دور داشت که مرور زمان یکی از موانع اجرای مجازات است و مجازات خود نتیجه قضائی است از کرده مجرم و بنابراین برای انجام مرور زمان باید بمنشاء عمل و علت ایجاد آن پی بریم و همان علت وقوع جرم را مؤثر در مرور زمان قرار دهیم نه معلول و نتیجه آنرا .

### در آثار مرور زمان

بنا بر تعریف ، مرور زمان مانع از تعقیب شخص و اجرای مجازات است پس در صورتیکه فاعل جرم بهیچوجه تعقیب نشده و یادرائیهای آن بهائی موقوف مانده و حکمی در باره او صادر نشده باشد مرور زمان اساساً مانع هرگونه اقدامی در بازجوئی و کشف جرم و مجازات فاعل خواهد بود - بهمین جهت - مرور زمان قبل از تعقیب کلیه آثار و نتایج متصوره از جرم را نیز محو

و ناپدید می‌کند (۱) .

برخلاف مرور زمان حاصله بعد از صدور حکم اثرات خود را بشرح ذیل حفظ می‌کند :

- ۱- محکومیت شخص در سجل جزائی او درج می‌شود .
- ۲- جزایهای تبیی و مجرومیتهای قانونی در باره او لازم الاجراست .
- ۳- محکومیت مزبور در تکرار جرم حساب می‌شود .
- ۴- در سابقه جزائی او نیز این محکومیت مؤثر و بنا بر این جرم دیگری که از او سر میزند قابل تعلیق نخواهد بود .

۵- اگر محکومیت او غیابی و غیر قطعی است ( بنظر بعضی ) با حصول مرور زمان حکم مزبور قطعی می‌گردد و الاجرا گردیده و بنابراین قابل اعتراض و استیناف نخواهد بود .

(۱) اگر چه برخی را عقیده بر آنستکه مرور زمان مانع کسب جرم و تبیین فاعل حقیقی آن نیست بلکه تنها اثری که دارد همان مانع بودن از مجازات است بنابراین جرمی که شامل مرور زمان باشد هم قابل تعقیب و اثبات است. مانع از اعمال مجازات است - اگر این تفسیر را صحیح بدانیم میتوان گفت مرور زمان قبل از صدور حکم اساساً وجود خارجی نداشته و یا اگر هم داشته باشد آن فواید مهمی که بر روی آن اصل مزبور وضع و ایجاد شده است بیکی منتفی خواهد بود .

بعلاوه قبول داشتن این اصل مخالف نص صریح قانون و مصالح اجتماعی است چه جمله « دیگر تعقیب نمیشود » در ماده ۵۱ خود منع واضح و روشن است بر قابلیت تعقیب جرم و شخص مجرم .

نخواهد بود (۲) .

پس بشرخی که دیدیم مرور زمان حاصله بعد از صدور حکم فقط در اجرای مجازات مؤثر بوده و بنابراین مجازاتهای تبیی بجای خود باقی و تا اعاده حیثیت نیتن ادامه خواهد داشت .

نتیجه دیگر از آثار مرور زمان اینست که فقط مجازاتهایی که اجرای آن صورت مادی و امکان عملی دارند مانند اعدام کلیه حبسها و مجازاتهای مضیق آزادی و جزایهای نقدی قابل مرور بوده و آنها که آثار اخلاقی و اجتماعی دارند ( تا اعاده حیثیت ) بجای خود باقی خواهند بود .

### در قطع و تعلیق مرور زمان

گرچه قانون در باره قطع و تعلیق مرور زمان ساکت است ولی جای تردید نیست که در باره موارد مرور زمان سیر طبیعی خود را از دست میدهد و بموانع قانونی بر میخورد - مثل آنکه تعقیب مقام صلاحیت از چنانچه دیدیم - سبب قطع مرور زمان میشود .

برای تشریح موانع مرور زمان لازم است بین جرائمی که دارای مجازات بدنی هستند با جرائم دیگر فرق گذارده در باره هر کدام موانع مخصوص بانرا ذکر کنیم .

(۲) در برخی از قوانین آثار دیگری نیز برای محکومیت مزبور قائل اند. مثلاً شرایط اعاده حیثیت در باره محکوم فراری که مجازاتش مشمول مرور زمان شده خیلی مشکلتر از محکوم عادی است که مجازات خود را کشیده. همچنین محکومین با اعدام و حبس مؤبد که از مرور زمان استفاده کنند از اقامت در محل وقوع جرم در مدت درازی ( ۲۰ سال در بعضی قوانین ) محروم خواهند بود .